

عوامل ایجاد کننده غفلت از یاد خدا از منظر آیات و روایات

عصمت بهادری^۱

چکیده:

موضوع تحقیق بررسی غفلت از یاد خدا از منظر آیات و روایات و عوامل آن می‌باشد. هدف از انتخاب این موضوع بدست آوردن تصویری روشن از ماهیت غفلت و خطرات غفلت از یاد خدا و پیام‌های الهی برای سعادت انسان‌ها می‌باشد. در این راستا تلاش شده است، با بیانی گویا و با استفاده از آیات کریمه، روایات شریفه و با بهره‌مندی از منابع معتبر شیعه عواقب سوء غفلت از یاد خدا و نقش ذکر در زندگی انسان، بررسی و تبیین شود؛ که اولاً، مفهوم‌شناسی غفلت و یاد خداوند مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه، به عوامل و اسباب غفلت در آیات و روایات بررسی شده است و در نهایت به این سوال پاسخ داده شده است که غفلت از یاد خدا به چه عواملی بستگی دارد؟ در تهیه مطالب و تدوین این پژوهش سعی شده از کتب تفسیری و همچنین کتب روایی و نیز کتب معتبر اخلاقی استفاده گردد تا مطالب از جامعیت و اقبال کافی برخوردار باشد. از نتایج تحقیق می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: دنیاگرایی، هنگام خلوت و تنهایی، آرزوهای دراز، دوستان ناباب و.... اشاره کرد.

کلید واژه: عوامل ایجاد کننده، غفلت، یاد خداوند

^۱ فارغ التحصیل سطح ۲ مدرسه علمیه فاطمه معصومه (س) اهواز.

مقدمه

غفلت دارای مفهوم وسیع و گسترده‌ای است که هرگونه بی‌خبری از شرایط زمان و مکانی که انسان در آن زندگی می‌کند، واقعیت فعلی و آینده و گذشته خویش، صفات و اعمال خود و از پیام‌ها و آیات حق و همچنین هشدارهایی که حوادث تلخ و شیرین زندگی به انسان می‌دهد را شامل می‌شود. غفلت و بویژه غفلت از یاد خدا امری مذموم و ناپسند است، که آیات و روایاتی در نکوهش آن آمده و انسان را از این صفت منع نموده است. اما تغافل (خود را به غفلت زدن) در برخی موارد از جمله: در امور تربیتی و خطاهای دیگران به قصد رفع مشکل و با رعایت شرایطی استثناء شده است، که اسلام برای پیشگیری و درمان این معضل، راه‌حلهایی را در قرآن و سنت ارائه داده است. که یکی از مهم‌ترین این راهکارها ذکر است. ذکر خدا در مقابل غفلت از او قرار گرفته و تأثیر بسزایی در پیشگیری و درمان غفلت از خدا دارد.

ضرورت این پژوهش از آن جهت است که غفلت و فراموشی از یاد خدا، به یکی از بحران‌های اخلاقی و معنوی جامعه امروز تبدیل شده است و موجب تضعیف ایمان و انحراف از مسیر عبودیت می‌گردد. با توجه به تأکید قرآن کریم و آموزه‌های دینی بر اهمیت ذکر خدا، این پژوهش تلاش می‌کند راهکارهایی کاربردی برای مقابله با این بیماری معنوی ارائه دهد.

لازم به ذکر است که در باب یاد خداوند و غفلت به صورت جداگانه بحث‌های متنوعی به ویژه در کتب تفاسیر یا کتاب‌های اخلاقی ملاحظه می‌شود، چنانچه آثار و پایان‌نامه‌هایی نیز درباره هر کدام از این دو موضوع به تنهایی نوشته است که عبارتند از: پایان‌نامه، بررسی غفلت از یاد خدا و آثار و پیامدهای آن توسط طیبه دهقان بنارکی (۱۳۹۱) نوشته شده، که این پژوهش به تحلیل مفهوم غفلت از یاد خدا و پیامدهای آن می‌پردازد. پایان‌نامه، مفهوم، مصادیق و آثار ذکر خدا و پیامدهای غفلت از آن توسط حسین رضاپور و غلامحسین مهدوی‌نژاد (۱۳۸۵) نوشته شده، که این تحقیق به بررسی مفهوم ذکر خدا و پیامدهای غفلت از آن پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که یاد خدا تأثیرات مثبت بسیاری بر زندگی فردی و اجتماعی دارد، در حالی که غفلت از آن می‌تواند پیامدهای منفی دنیوی و اخروی به همراه داشته باشد. آنچه این پژوهش را از سایر تحقیقات متمایز می‌کند، پرداختن عمیق و دقیق به مفهوم غفلت از یاد خدا در آموزه‌های اسلامی است. در این اثر، تلاش شده تا با نگاهی

موشکافانه و بهره‌گیری از منابع اصیل، به بررسی این موضوع پرداخته شود و عوامل آن از منظر آموزه‌های دینی و اخلاقی مورد تأمل قرار گیرد.

مفهوم‌شناسی واژه‌ها:

واژه غفلت

غفلت در زبان فارسی به معانی مختلفی همچون فراموش کردن، سهو، بی‌خبری، نادانی، بی‌توجهی، بی‌پروایی، سهل‌انگاری، بی‌اعتنائی و سستی آمده است.^۱ غفلت در جایی به کار می‌رود که چیزی در ذهن موجود بوده، اما مورد توجه نباشد.^۲ بنابراین غفلت، نقطه مقابل توجه و تفکر است.^۳

واژه غفلت و مشتقات آن، ۳۵ بار در قرآن تکرار شده است که در بسیاری موارد متعلق غفلت؛ خدا، آیات خدا، دستورات خدا، خویشتن و قیامت است. هدف اصلی آیاتی که در آن‌ها غفلت از خداوند نفی شده است، تأکید بر علم و آگاهی کامل خداوند به همه حوادث جهان و نیز آگاهی نسبت به رفتارهای انسان‌ها و آثار تربیتی آن است.^۴

معنای قرآنی غفلت و پیامدهای آن بازگو شده است. غفلت در مفهوم قرآنی، ناتوانی از درک حقیقت^۵ به دلیل بی‌توجهی به نعمت تعقل است. از منظر قرآن، والاترین آگاهی‌ها، اذعان به وجود خدا و قیامت و اعتقاد راسخ به این مظاهر غیبی است. خداوند به پیامبر خود فرمان می‌دهد تا از کسانی که خدا را فراموش کرده‌اند، روی برتابد: فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا. سپس به این نکته اشاره شده است که علم محدود آنان برای هدایت و سعادت‌شان کافی نیست: ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ؛ این آخرین حد آگاهی آن‌هاست.

^۱ دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۴۷۷۴.

^۲ جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۴۰۵.

^۳ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۲۴۶.

^۴ سیوری، ارشاد الطالبین، ۲۰۶-۲۰۷.

^۵ اعراف/۱۷۹.

^۶ نجم/۲۹.

^۷ نجم/۳۰.

برخی آیه‌های قرآن، کسانی را که در جهان محدود مادی محصور شده و حیات آخرت را از یاد برده‌اند، غافل و ناآگاه می‌نامد. يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ؛ آن‌ها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت (و پایان کار) غافلند.^۱

در قرآن این واقعیت نیز بازگو می‌شود که غفلت، سرنوشت محتوم بسیاری از انسان‌هاست؛ کسانی که بی‌توجه به آیه‌های روشن الهی، همچنان در غفلت و بی‌خبری به سر می‌برند: إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ آیَاتِنَا لَغَافِلُونَ.^۲

در سوره قمر در چند آیه، این پرسش اساسی تکرار شده است: فَهَلْ مِنْ مُّدْكِرٍ.^۳ لحن و آهنگ پرسش، نشان می‌دهد که پرسشگر امیدی به اندرزپذیری ندارد؛ زیرا مخاطبان این پرسش، در اعماق تاریکی غفلت فرو رفته‌اند.

واژه‌ی ذکر

واژه‌ی ذکر از نظر لغوی به معنای نگه‌داشتن و حفظ کردن است، برخالف سهو، نسیان و فراموشی که بر عدم تحفظ معنا شده است. ذکر را به یاد کردن و یادآوری از چیزی یا کسی با قلب، زبان یا هر دو معنا کرده‌اند.^۴ این مفهوم با مشتقاتش، ۲۹۲ مرتبه در قرآن کریم به کار برده شده است. ذکر گاهی در برابر غفلت و گاهی در برابر نسیان به کار می‌رود.^۵

در اصطلاح، وقتی کسی به یاد چیزی است، آن را می‌داند و می‌شناسد، از آن یاد می‌کند و می‌فهمد که آن هست یا من نزد اویم، گوینده نسبت به آن ذکر دارد؛ از آن رو ذکر به معنی درک حضور آمده، برای حضور چیزی نزد قلب یا نزد زبان در حد سخن فقط. با این تعریف، وقتی می‌گوییم ذکر خدا، یعنی گاهی خدا را به زبان یاد می‌کنیم و گاهی با توجهی عمیق و قلبی، او را به یاد می‌آوریم و

^۱ روم/۷.

^۲ یونس/۹۲.

^۳ قمر/۱۵، ۱۷، ۲۲.

^۴ انوری، فرهنگ فشرده سخن، ص ۳۵۰.

^۵ نراقی، معراج السعاده، ص ۱۵۶.

^۶ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۴۰.

احساس می‌کنیم در حضور اواییم. پس ذکر خدا یعنی به کار بردن کلماتی که به ما یادآور می‌شوند که او هست، او را ستایش می‌کنیم و ما نزد اواییم. این احساس و باور در مسیر زندگی ما می‌تواند بسیار نقش‌آفرین باشد. منظور از ذکر، یاد خدا و مطلق توجه انسان به خداوند است.^۱

عوامل غفلت از یاد خدا

۱. پیروی از هوای نفس

غفلت از یاد خدا و اطاعت کردن از خواسته‌ها و هواهای بی‌پایان تمایلات درونی، می‌تواند انسان را چنان سرگرم خود کند که دیگر اصل و فلسفه زندگی را فراموش کند. رفاه‌زدگی و آسایش زیادی، موجب می‌شود که آدمی سرگرم پاسخ‌گویی به هواهای نفسانی شود و از مسیر کمالی و فلسفه آفرینش دور و غافل شود. هوای نفس، ازدهای نهفته در باطن انسان، آن‌چنان خطرناک است که حضرت یوسف (ع) با آن مرتبه بلند از آن می‌ترسد و خطاب به خداوند عرض می‌کند: «وَالَا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ؛ ...خدایا! اگر کید و مکر زنان مصر را از من برنگردانی، به آن‌ها گرایش می‌کنم و در آن صورت از جاهلین خواهم بود».^۲

هنگامی که از مجلس پیروز بیرون آمد، فرمود: خدایا! اگر تو نباشی بدبخت می‌شوم. اگر هوای نفس کاری به انسان نداشته باشد، برای این است که زمینه ندارد تا کاری کند.^۳

از مرحوم مقدس اردبیلی، مرجع تقلیدی که بارها خدمت امام زمان رسید، سؤال کردند: آقا اگر شما در خانه‌ای باشید، کسی نباشد جز یک زن نامحرم، آیا مرتکب زنا می‌شوی؟ مرحوم مقدس نفرمود: نه؛ بلکه فرمود: پناه می‌برم به خدا که چنین صحنه‌ای برای من پیش بیاید.^۴

قرآن هواپرستی را منشأ غفلت و غفلت را ناآگاهی و ناتوانی از درک حقیقت می‌داند. خداوند در سوره جاثیه غفلت و محرومیت از آگاهی، یکی از مجازات‌های الهی شمرده است: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ

^۱ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۸۵.

^۲ یوسف/۳۳.

^۳ هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ص ۱۸۵.

^۴ محبوبی، مجید، آینه اخلاص، تهران، نبوغ، چ اول، ۱۳۷۷، ص ۵۶.

۱۴. فراموشی مرگ

عمر انسان که تنها سرمایه اوست، همچون آب روان در سراسیمگی با تندی می‌گذرد و با گذشت هر روز، به اندازه یک روز از سرمایه وی مستهلک می‌شود. بنابراین باید نهایت توجه و وسواس را داشت تا در قبال رفتن این سرمایه ارزشمند، توشه و کمالی در خور جایگاه والی انسانی کسب کنیم. نیرو، سلامتی و بالاخره فرصت‌های مختلف همیشه به یک منوال نمی‌مانند و هر لحظه از مقدار آن‌ها کاسته می‌شود. انسان عاقل کسی است که قبل از پایان یافتن فرصت‌ها، استعدادهای خویش را شکوفا سازد و کمال مطلوب خود را تحصیل نماید. امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: ... وَ قَدَّرَ لَكُمْ أَعْمَاراً سَتَرَهَا عَنْكُمْ؛ ... عمرهایی برای شما مقدر فرمود که مقدار دقیق آن از شما پنهان است.^۱ در همین باب امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: اگر انسان از مقدار عمر خود آگاه باشد و ببیند عمرش کوتاه است و پیوسته انتظار مرگ می‌کشد همان چند صباح زندگی برای او گوارا نخواهد بود و همانند کسی است که اموالش در شرف نابودی است و با تمام وجودش فقر و تنگدستی را احساس می‌کند و اگر عمر خود را طولانی ببیند در غرور و غفلت و لذات و انواع گناهان غوطه ور می‌شود به این پندار که از همه لذات بهره بگیرد و در پایان عمر توبه کند.^۲

از مجموعه آموزه‌های قرآن کریم استفاده می‌شود که با ایمان و عمل صالح و بندگی خدا راه سعادت انسان طی می‌شود و وقت و عمر او قیمت پیدا می‌کند. اگر ما دچار غفلت شویم و از حسابرسی عمر و عملکرد خویش غافل گردیم، حسابگرانی دقیق، مأمور ثبت و ضبط اعمال و ارزیابی ما براساس عملکردمان هستند. آن‌ها نه غافل می‌شوند و نه چیزی از چشم‌شان پوشیده می‌ماند؛ چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: اِنَّ عُمْرَكَ عَدَدُ أَنْفَاسٍ وَ عَلَيْهَا رَقِيبٌ يُحْصِيهَا؛ عمر تو همان تعداد نفس‌های توست و کسی مراقب آن‌هاست و آن‌ها را می‌شمارد.^۳

^۱ مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۱۹۸.

^۲ آنوری، حسن، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت، ۱۳۲۰ق، ج ۹، ص ۱۱۸.

^۳ مطلبی، سید ابوالحسن، گوهر وقت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۲.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه بیان شد، غفلت از یاد خدا یکی از آفات روحی و معنوی است که می‌تواند انسان را از مسیر سعادت دور کند. این حالت معمولاً زمانی رخ می‌دهد که فرد به امور دنیوی بیش از حد مشغول شود و به اهمیت مسائل معنوی توجه کافی نداشته باشد. یکی از این عوامل، مشغولیت بیش از حد به امور دنیوی است که روح انسان را اسیر مادیات کرده و او را از تأمل در معنویت باز می‌دارد. همچنین همنشینی با افراد بی‌توجه به ارزش‌های الهی، انسان را به تدریج از یاد خدا دور می‌کند و زمینه‌های غفلت را تقویت می‌نماید. حب دنیا و گرایش بی‌اندازه به مظاهر مادی است. این وابستگی باعث می‌شود انسان تمام توجه خود را به امور زودگذر معطوف کند و حقایق پایدار آخرت را فراموش نماید. سرگرمی‌های بیهوده، استفاده نادرست از زمان و عدم تفکر در نعمت‌های خداوند، هنگام ورود به بازار، قساوت قلب و... از عواملی دیگر هستند که انسان را از ارتباط با خداوند باز می‌دارد و در نهایت انسان را از دامن سعادت جدا کرده و گرفتار تاریکی‌های روحی و اخلاقی می‌سازند.

منابع:

*قرآن کریم

- انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، تهران، سخن، ۱۳۹۰.
- ابن بابویه، محمد بن علی، خصال، مترجم: احمد قهری، تهران، حوزه علمیه اسلامی، ۱۳۶۳.
- صفات الشیعه، تحقیق: لطیف راشدی، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۸.
- ابن ابی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، مترجم: محمد رضا عطایی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب، ۱۴۱۴ق.
- بیستونی، محمد، تفسیر جوان، مشهد، آستان قدس رضوی، چ اول، ۱۳۸۸.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد، غررالحکم، قم، دار الحدیث، چ هشتم، ۱۳۸۵.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۷۸.
- جمعی از نویسندگان، دانش نامه امام حسن مجتبی (ع)، پایگاه تخصصی عاشورا، ۱۳۹۰.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، روزنه، ۱۳۷۳ه ش.
- دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، قم، بی نا، چ اول، ۱۴۱۲ق.
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد، الفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۲.
- رسولی محلاتی، هاشم، ترجمه، غررالحکم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، مصحح: مصطفی حسین احمد، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
- سیوری، جمال الدین مقداد، ارشاد الطالبین، محقق: مهدی الرجالی، قم، کتابخانه، عمومی آیه الله مرعشی نجفی، چ دوم، ۱۳۶۳.

شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۲.

طباطبایی، سید محمد کاظم، منتخب میزان الحکمه، مترجم: حمید رضا شیخی، تهران، دار الحدیث، ۱۳۷۵.

فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، محقق: مهدی مخزومی، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۹۸۸ م.

طوسی، محمد بن حسن، آمالی، مترجم: حسن صادق زاده، قم، اندیشه هادی، چ اول، ۱۳۸۸.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر صافی، مترجم: محمد باقر سبخوانی ساعدی، چ سوم، بی جا، ۱۴۱۶ ق.

قمی علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، مترجم: جابر رضوانی، قم، انتشارات بنی الزهراء، چ دوم، ۱۳۸۸.

قمی، عباس، سفینه البحار، مشهد، آستان قدس رضوی، چ چهارم، ۱۳۹۶.

کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.

.....، کافی، مترجم: صادق حسن زاده، تهران، قائم آل محمد، چ سوم، ۱۳۸۵

مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، نشر کتاب، چ دوم، ۱۳۶۰.

محبوبی، مجید، آینه اخلاص، تهران، نبوغ، چ اول، ۱۳۷۷.

مجلسی، محمد باقر، بحارلنوار، مترجم: گروهی از مترجمان، تهران، کتاب نشر، ۱۳۹۲.

مدرسی، محمد تقی، تفسیر هدایت، مترجم: احمد آرام، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چ اول، ۱۳۷۷.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

محمدی ری شهری، محمد، نهج الذکر، مترجم: حمید رضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷.

- مجدی، عطاء الله، هزار گوهر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ پنجم، ۱۳۷۵.
- مطلبی، سید ابوالحسن، گوهر وقت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
- مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، قم، صدرا، چ پنجاه و هشتم، ۱۳۹۴
- نراقی، احمد، معراج السعاده، قم، هجرت، ۱۳۸۶.
- نوری، حسن بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آلبیت (ع)، چ اول، ۱۳۲۰ق.
- نسفی، برهان الدین، مکارم الاخلاق، مترجم: ابوالفضل قونوی، بیروت، دار الکتب علمیه، چ دوم، ۲۰۱۱م.
- واحدی، علی بن احمد، اسباب النزول، ترجمه: علیرضا ذکاوتی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، تفسیر راهنما، قم، بوستان کتاب، چ پنجم، ۱۳۸۶.